

پیش‌بینی پایداری براساس دل‌بستگی به خدا، امید به زندگی و شادکامی در فرهنگیان زن بازنشسته خمینی شهر

الهام رضایی^۱

فاطمه جواد زاده شهشهانی*^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۹

چکیده

هدف از این پژوهش پیش‌بینی پایداری بر اساس دل‌بستگی به خدا، امید به زندگی و شادکامی در فرهنگیان زن بازنشسته خمینی شهر بود. روش پژوهش همبستگی از نوع پیش‌بینی و جامعه آماری شامل کلیه فرهنگیان زن بازنشسته خمینی شهر در سال ۱۳۹۹ است که تعدادشان ۱۶۷ نفر بود. با استفاده از جدول مورگان برحسب تعداد جامعه آماری ۱۱۳ نفر حجم نمونه برآورد گردید که در نهایت حجم نمونه با احتساب ریزش آماری به ۱۰۰ نفر کاهش پیدا کرد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه پایداری داکورث (۲۰۰۷)، پرسشنامه دل‌بستگی به خدا بک و مک دونالد (۲۰۰۴)، پرسشنامه امید به زندگی اسنایدر (۱۹۹۱) و پرسشنامه شادکامی آکسفورد آرگایل، مارتین و کروسلند (۱۹۸۹) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) با استفاده از نرم‌افزار spss-22 انجام شد. نتایج نشان داد که به ترتیب دل‌بستگی به خدا ($\beta=0/49$)، شادکامی ($\beta=0/23$) و امید به زندگی ($\beta=0/42$) مشترکاً، ۴۷/۵ درصد توانایی پیش‌بینی پایداری فرهنگیان زن بازنشسته را داشتند. همچنین نتایج نشان داد زیرمؤلفه‌های دل‌بستگی به خدا (ارتباط باخدا، توکل و توجه به خدا)، ۳۴/۲ درصد توانایی پیش‌بینی پایداری را داشتند و زیر مؤلفه‌های امید به زندگی (تفکر عاملی و تفکر راهبردی)، ۳۷/۹ درصد توانایی پیش‌بینی پایداری را در سطح معناداری $p \leq 0.01$ دارا بودند.

واژگان کلیدی: امید به زندگی، پایداری، دل‌بستگی به خدا، شادکامی، فرهنگیان زن بازنشسته

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران

۲. عضو هیات علمی گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول):

(javadzadeh@iaukhsh.ac.ir)

انسان وقتی با وضعی اجتناب‌ناپذیر مواجه می‌گردد و یا با سرنوشتی تغییرناپذیر روبرو است، مثلاً به مرحله بازنشستگی می‌رسد، ممکن است احساسات ناخوشایندی از جمله افسردگی، ناامیدی، پوچی و تنهایی کند (کوهپایه زاده، معتمدی، درتاج، اسکندری و فرخی، ۱۳۹۸). بازنشستگی ممکن است یکی از لحظات بحرانی زندگی را تشکیل دهد و به این عنوان با نوعی نگرانی و عدم تعادل همراه باشد. بنا بر نظریه راپاپورت^۱ (۱۹۶۳)، در جوامعی که آداب انتقالی کمی دارند، یعنی در جوامعی که جامعه‌پذیری مقدماتی برای نقش‌های جدید خانوادگی به حداقل کاهش یافته است و توقعات مربوط به این نقش متغیرند، نقاط بحرانی زندگی مانند بازنشستگی، چه در شخص ذی‌نفع و چه در خانواده با از دست دادن تعادل همراه است (میشارا و رایدل؛ ۱۳۸۲). بنابراین طیف وسیعی از بازنشستگان، نتوانسته خود را با وضعیت کنونی سازگار نمایند و در نتیجه دچار انواع مشکلات روانی از جمله ناامیدی (مرگ)، افسردگی، عدم سازگاری با وضعیت جدید، حس ناکارآمدی و بی‌کفایتی می‌گردند (سیون آهن، بونگ و کیم ۲، ۲۰۱۷).

تا اوایل دهه ۸۰ اعتقاد بسیاری از پژوهشگران علوم رفتاری بر این بود که رویدادهای استرس‌زا در بروز مشکلات روان‌شناختی نقش مؤثری دارند (حمید، ۱۳۸۸). درعین‌حال، تحقیقات روان‌شناسان بعدی نشان داد که بین روی دادهای استرس‌زا و اختلالات روان‌شناختی، عوامل تعدیل‌کننده‌ای وجود دارد که موجب می‌شود رویدادهای استرس‌زا، آثار متفاوتی بر افراد می‌گذارند (غلامی و بشلیده، ۱۳۹۰). در این راستا اخیراً محققین در بررسی عوامل مولد موفقیت زندگی علاوه بر صفات و توانایی‌های شناختی همچون خلاقیت، هوش هیجانی، فرهمندی، عزت‌نفس، جذابیت‌های جسمانی و دیگر کیفیت‌های مثبت که افراد پیشرفت‌گرا در موفقیت از آن استفاده می‌کنند؛ صفت غیر شناختی دیگری را در پیگیری اهداف بلندمدت معرفی می‌کنند که به نام پایداری نامیده می‌شود که شروع تحقیقات آن با کارهای داکورث^۳ (۲۰۰۷)، آغاز گردید. وی پایداری و ثبات قدم را به‌عنوان شور و حرارت فرد برای پیگیری اهداف بلندمدت تعریف می‌کند که این خصیصه می‌تواند مجموعه‌ای از نشانه‌های واقعی مؤثر در مورد انگیزش و سرسختی و موفقیت در اهداف بلندمدت را پیش‌بینی کند. افراد باثبات قدم بالاتر، موفقیت‌های بهتری را کسب می‌کنند و این خصیصه نسبت به هوش پیش‌بینی‌کننده مهم‌تری برای موفقیت در زندگی و فعالیت‌ها است (داکورث و وینکلر^۴، ۲۰۱۵). پایداری در مواجهه با مسائل فشارزای زندگی، مانند سپری محافظ عمل می‌کند (اژدری فرد و همکاران، ۱۳۸۹). به‌عبارت‌دیگر پایداری به‌عنوان جنبه‌ای از خودکنترلی است که مربوط به پیگیری مداوم اهداف بلندمدت با وجود موانع است و شامل فرایندهای استقامت و اشتیاق است، همچنین به‌عنوان پشتکار در تلاش و سازگاری باعلاقه نامیده می‌شود

1 Rapoport

2 Seon Ahn, Bong & Kim

3 Duckworth

4 Duckworth & Winkler

مک کراکن و همکاران^۱، ۲۰۲۱) و به دلیل ارتباط قوی با پیشرفت تحصیلی، موفقیت شغلی و بهداشت روان، اخیراً مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (داکورت و سلیگمن^۲، ۲۰۱۷). کوون^۳ (۲۰۲۱)، در پژوهشی نشان داد که پایداری باعث رفاه ذهنی، وظیفه‌شناسی و حس کنترل و درنهایت خوشحالی بیشتر در افراد ایالت متحده و کره جنوبی شده است.

تاو^۴ (۲۰۱۲)، بر اهمیت صفات و ویژگی‌هایی که در تعیین موفقیت‌های زندگی و همچنین صفات مغایری که باعث شکست‌ها می‌شوند، تمرکز کرده است. او موفقیت‌های ضعیف (کسانی که علیرغم محدودیت‌هایی که بر سر راهشان بود و با آن مواجه بودند در شرایط سخت ماندند) را به پایداری، ثبات قدم و وجدان‌گرایی بالای آن‌ها نسبت می‌دهد و در کنار این دو مسأله اشاره می‌کند که چنین افرادی در دریافت پاداش (مادی) صبور هستند. اینکه پایداری تحت تأثیر چه متغیرهایی است هم می‌تواند یک مسیر جدیدی در ادبیات روانشناسی باشد که گاه مشاهده می‌شود این متغیر از یک سری متغیرهای شناختی و غیر شناختی متأثر می‌شود (داکورت و آلد، ۲۰۱۲). دل‌بستگی به خدا یکی از این حوزه‌های به‌ظاهر مرتبط با پایداری است.

کرک پاتریک^۵ (۱۹۹۹)، یکی از نظریه‌پردازان در زمینه دل‌بستگی به خدا این نوع دل‌بستگی را، دل‌بستگی به مراقب اولیه در دوران کودکی که باگذشت زمان و در چهارچوب نظام‌های دیگر همانند دل‌بستگی به خدا و وطن ادامه می‌یابد تعریف می‌کند. همچنین آینسورث^۶ (۱۹۸۷)، چهار ملاک برای دل‌بستگی به خدا برمی‌شمارد که از این موارد، دو مورد در مورد خداوند صدق می‌کند؛ یکی اینکه خدا مبنای امنیت برای افراد است، هنگامی که دچار استرس و آشفتگی روانی می‌شوند و دیگر اینکه خدا منبع مطمئنی برای اکتشاف در محیط اطراف است. همچنین وی معتقد است خدا از یک سو سبب شکل‌گیری رفتارهای دل‌بستگی مآبانه، مانند نزدیک شدن به دیگران و از سوی دیگر سبب برانگیختن واکنش‌های خصمانه مانند غم و اندوه در افراد می‌شود. به نظر می‌رسد از نظرگاه روان‌شناسی می‌توان خدا را به‌عنوان موضوع دل‌بستگی در نظر گرفت که به انسان آرامش و ایمنی می‌بخشد (روات و کرک پاتریک^۷، ۲۰۰۴؛ به نقل از غباری بناب و همکاران، ۲۰۱۰).

افراد دین‌دار، به سه دلیل روان‌شناختی دارای شایستگی‌های بیشتری می‌باشند اول این‌که، دین یک سامانه باور منسجم ایجاد می‌کند که باعث می‌شود افراد برای زندگی معنا پیدا کنند و به آینده امیدوار باشند. باورهای معنوی به آدمی امکان می‌دهد که به ناملایمات، فشارهای روانی و فقدان‌های گریزناپذیر که در زندگی رخ می‌دهند معنا دهند و به زندگی بعدی که همراه با آرامش است امیدوار و خوش‌بین باشند. دوم

1 McCracken & et al

2 Duckworth & Seligman

3 Kwon

4 Tough

5 Kirk Patrik

6 Ainsworth

7 Rowatt & Kirkpatrick

این که، حضور در امور مذهبی، برای افراد حمایت اجتماعی فراهم می‌آورد. سوم اینکه، دلبستگی به یک وجود متعالی و باورهای دینی اغلب با سبک زندگی سالم‌تر همراه است. عده‌ای از محققین به این نتیجه رسیدند که برداشت اکثر افراد از دین، داشتن رابطه‌ای نزدیک با خداست و نه صرفاً مجموعه‌ای از باورها و اعمال. به همین دلیل در سال‌های اخیر مفهوم دلبستگی به خدا به‌عنوان یکی از نمادهای دین‌داری که در بهبود زندگی افراد مؤثر است، مطرح شده است (خرم روز، ملتفت و فیروزی، ۱۳۹۶). کرک پاتریک (۲۰۰۴)، اعتقاد دارد که دلبستگی مضطرب - اجتنابی با خدا در نهایت باعث بی‌اعتقادی و ترک مذهب فرد می‌شود (به نقل از غفاری، ۱۳۹۶). از منظر بک (۲۰۰۶)، افرادی که دلبستگی بیشتری به خدا دارند و این دلبستگی از نوع ایمن است، کمتر دچار تنش و افسردگی می‌شوند و از احساس رضایت و امید به زندگی بیشتری برخوردار هستند (به نقل از بی‌طرفان، کاظمی و یوسفی افراشته، ۱۳۹۶).

امید به زندگی می‌تواند به‌عنوان یک عامل شفاف‌دهنده، چندبعدی، پویا و قدرتمند توصیف شود و نقش مهمی در سازگاری با فقدان داشته باشد. برای پیش‌بینی میزان امید به زندگی برای یک جمعیت زنده در سال جاری مفهوم جدول عمر به‌کاربرده می‌شود (الیزابت ۲، ۲۰۱۱). امید به زندگی، سلامت جسمی و روانی را آن‌گونه که با انواع شاخص‌ها از جمله سلامت خود گزارشی، پاسخ مثبت به مداخلات پزشکی، سلامت ذهنی، خلق مثبت، اجتناب از رویدادهای فشارزای زندگی، جستجوی حمایت اجتماعی و رفتار ارتقادهنده سلامت مشخص شده‌اند، پیش‌بینی می‌کند. امید به‌عنوان یکی از منابع مقابله انسان عمل می‌کند (قاسمی، عبدی و باغبان، ۲۰۰۹). علاوه بر این میزان مرگ‌ومیر در بدو تولد به‌شدت بر روی امید به زندگی اثر می‌گذارد و به همین علت این شاخص به‌عنوان یک شاخص بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی نام‌برده می‌شود بوده و با افزایش موارد مرگ کودکان این شاخص کاهش می‌یابد. امید به زندگی یعنی اینکه فرد امکان کنترل زندگی‌اش را داشته باشد و برای رسیدن به اهدافش تلاش نماید (فیلدمن و کوباتا، ۲۰۱۵).

یکی دیگر از متغیرهای پژوهش شادکامی است. شادکامی ۴، اساسی‌ترین نیاز سلامت روانی انسان‌ها محسوب می‌شود (جوئیاری و همکاران، ۲۰۱۱). احساس شادکامی یک حالت خوب و خوشایندی است که با تجربی همانند خوشی، رضایتمندی از زندگی، درستی، امنیت و خشنودی همراه است (محمدی و آذربایجانی، ۲۰۰۹) فرد شادکام احساس خوبی دارد؛ از فعالیت‌های زندگی خود لذت می‌برد؛ دنیای درونش آرام است؛ ضعف‌های زندگی خود را می‌پذیرد و در مقابل مشکلات باثبات است (براتی، اشرفی، نجفی، کریمی و

1 Beck

2 Elizabeth

3 Feldman & Kubota

4 Happiness

شریف‌زاده، ۱۳۹۴). به‌علاوه شادکامی اشتیاق انسان را به انجام فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی تسهیل می‌کند (زینی و نیلساز، ۲۰۱۲).

همان‌طور که برای بهبود زندگی شغلی کارکنان، مطالعه و تحقیق می‌شود، برای مراحل بعد از کار نیز باید فکر شود تا بازنشستگی به‌عنوان لحظات بحرانی زندگی محسوب نشده و باعث عدم تعادل در زندگی بازنشسته نگردد. آموزش و پرورش و انسان‌سازی چه در زمینه‌های تخصصی و فنی و چه علمی و تحقیقاتی، چه در علوم تجربی و چه انسانی، در هر جامعه‌ای درگرو تلاش‌های معلمان است. این قشر عالم و فرهیخته همچون دیگر اقشار، پس از عمری خدمت به جامعه علمی بازنشسته می‌شوند، بازنشسته رسمی از ارگان‌های رسمی علمی؛ اما آیا به‌مرورزمان، دانش و علم یک معلم مانند نیروی بدنی یک کارگر تحلیل می‌رود و آیا بازنشستگی برای یک عالم و دانشمند معنا دارد؟ بازنشستگی این فرهیختگان چه عواقبی را برای خود، خانواده و جامعه از نظر روحی، روانی، اقتصادی و اجتماعی در پی دارد و کار بی‌وقفه و بدون تعطیلی برای آن‌ها چه نتایجی را خواهد داشت؟ (موسایی، ۱۳۸۳). از آنجایی که بر اساس مشاهدات اولیه به نظر می‌رسد، بازنشستگی باعث ایجاد شوک روحی و روانی و بروز تبعات ناگوار اجتماعی، اقتصادی و روحی زیادی برای معلمان می‌شود، مطالعه آن درخور تأمل است. این مسأله در فرهنگیان زن بازنشسته که دوران بازنشستگی آن‌ها با مسائل جسمی و بحران میان‌سالی همراه است و دیگر نمی‌توانند به‌طور مفید در تدریس و تعلیم و تربیت در مدارس مشغول باشند به یک احساس ناامیدی و یاس می‌رسند، دارای اهمیت بیشتری است؛ زیرا که زنان در خانواده و جامعه نقش بسیار پراهمیت‌تری دارند. در این زمینه مطالعاتی نیز انجام شده است به‌طور نمونه کنت و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی بخشش، دلبستگی به خدا و نتایج سلامت روان در بزرگسالان مسن ایالات‌متحده پرداختند و نشان دادند که دلبستگی ایمن به خدا در ابتدا با افزایش خوش‌بینی و عزت‌نفس همراه است و احساس بخشش توسط خدا و بخشش معاملاتی از طرف خداوند بیشتر با سلامت روان و تاب‌آوری بیشتر همراه است. سالز و همکاران^۳ (۲۰۱۴)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین پایداری و بهزیستی روان‌شناختی بر روی ۱۴۹ نفر در ۹ تخصص جراحی در یک مرکز پزشکی دانشگاهی پرداختند و به این نتایج دست یافتند که بین پایداری و بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و پایداری می‌تواند بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی نماید. همچنین فولادی و شهیدی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی و امید به زندگی در پیش‌بینی سرسختی روان‌شناختی در بین دانشجویان با توجه به جنسیت بیان کردند که بین امید به زندگی، برون‌گرایی، سازش‌پذیری و باوجدان بودن با سرسختی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. کلانتر هرمزی، عسلی طالکوئی و مرادی لیاولی (۱۳۹۴)، در پژوهشی نشان دادند که

1 Zeinoh & Nilsaz

2 Kent & et al

3 Salles & et al

تاب‌آوری شناختی با پایبندی مذهبی همبستگی مثبت داشت درحالی‌که تاب‌آوری با دوسوگرایی مذهبی، ناپایبندی مذهبی و پایبندی کل همبستگی منفی داشت.

بنابراین به‌طور کلی با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان بیان کرد که در زمینه بازنشستگی فرهنگیان و پایداری نیز پژوهش‌های کافی انجام نشده است و در اکثر پژوهش‌ها مؤلفه‌های مشابه پایداری مانند خودکنترلی، تاب‌آوری، ثبات قدم، سرسختی مورد بررسی قرار گرفته‌اند یا در پژوهش‌های اثربخشی به آموزش پایداری پرداخته شده است اما هیچ پژوهشی تاکنون به بررسی پیش‌بینی پایداری از طریق مؤلفه‌های دیگر نپرداخته است، بنابراین این پژوهش در راستای بررسی این هدف پژوهشی انجام شد.

روش پژوهش

پژوهش انجام شده یک پژوهش همبستگی از نوع پیش‌بینی بود. جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه فرهنگیان زن بازنشسته خمینی‌شهر در سال ۱۳۹۹ که تعداد این افراد ۱۶۷ نفر بود. تعداد نمونه پژوهش با استفاده از جدول مورگان برحسب تعداد جامعه آماری ۱۱۳ نفر به دست آمد که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس از بین فرهنگیان زن بازنشسته که به کانون بازنشستگان مراجعه می‌کنند با احتساب ریزش آماری تعداد ۱۱۵ نفر انتخاب و پرسشنامه‌ها به آن‌ها داده شد. لازم به ذکر است که به خاطر محدودیت‌های موجود مانند بیماری کرونا و عدم دسترسی به تمام افراد جامعه هدف، امکان انتخاب تصادفی برای انتخاب افراد فراهم نبود و بعضی پرسشنامه‌ها به‌صورت مجازی تکمیل گردید که در نهایت حجم نمونه با احتساب ریزش آماری به ۱۰۰ نفر کاهش پیدا کرد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه‌های زیر است:

پرسشنامه پایداری: این پرسشنامه ۸ سؤالی توسط داکورث (۲۰۰۷) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای دو بعد ثبات در علاقه و پشتکار در تلاش است. نمره‌گذاری این پرسشنامه با روش لیکرت ۵ نمره‌ای درجه‌بندی شده است. سؤالات ۲-۴-۷-۸ به‌صورت کاملاً شبیه است نمره ۵، خیلی شبیه است نمره ۴، گاهی شبیه است نمره ۳، خیلی شبیه نیست نمره ۲ و اصلاً شبیه نیست نمره ۱ نمره‌گذاری می‌شود و سؤالات ۳-۶-۵-۱ به‌صورت معکوس کاملاً شبیه است نمره ۱، خیلی شبیه است نمره ۲، گاهی شبیه است نمره ۳، خیلی شبیه نیست نمره ۴ و اصلاً شبیه نیست نمره ۵ نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمره کلی این پرسشنامه از ۸ تا ۴۰ است. امتیازات کلی بالاتر نشانگر استقامت بالاتر در فرد پاسخ‌دهنده، خواهد بود و برعکس. داکورث و همکارانش ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰/۸۵ گزارش کرده است. پایایی این پرسشنامه به تفکیک ابعاد ثبات در علاقه ۰/۸۱ و پشتکار در تلاش ۰/۸۰ محاسبه گردید. آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه در این پژوهش ۰/۸۶ به‌دست آمده است. پرسشنامه دلبستگی به خدا: این مقیاس یک مقیاس ۲۸ گویه‌ای است که بک و مک دونالد آن را در سال ۲۰۰۴ به‌منظور سنجش علاقه‌مندی افراد به خدا ساختند و علیایی، سامانی و فانی (۱۳۹۰)، آن را برای استفاده در ایران بازطراحی و به‌صورت یک مقیاس ۲۴ گویه‌ای درآورده‌اند. این مقیاس

دارای ۴ خرده مقیاس ارتباط با خدا (سؤالات ۱ تا ۸)، توکل (سؤالات ۹ تا ۱۳)، اعتماد در برابر عدم اعتماد (سؤالات ۱۴ تا ۱۸) و توجه به خدا (سؤالات ۱۹ تا ۲۴) است. هر یک از سؤالات این آزمون توصیف کوتاهی از چگونگی رابطه دلبستگی فرد نسبت به خدا ارائه می‌کند. آزمودنی درجه تطابق هر جمله را با حالات و تجربیات خود در رابطه با خدا، روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت که از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) درجه‌بندی شده است، مشخص می‌کند. در تحقیقات انجام‌شده روایی پرسشنامه مذکور با پرسشنامه عزت‌نفس کوپر اسمیت (۱۹۶۷) مورد بررسی قرار گرفت و روایی آن تأیید شد و پایایی آن به شیوه باز آزمایی برای پرسشنامه مذکور عدد ۰/۵۸ حاصل شد، پایایی زیرمقیاس‌های پرسشنامه مذکور برای عوامل؛ توجه به خدا ۰/۶۴، اعتماد در مقابل عدم اعتماد ۰/۶۳، توکل ۰/۱۲، و ارتباط با خدا ۰/۸۰ گزارش شده است. آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه در این پژوهش برای کل پرسشنامه ۰/۷۸ به دست آمده است و برای خرده مقیاس‌های توجه به خدا ۰/۷۲، اعتماد در مقابل عدم اعتماد ۰/۷۰، توکل ۰/۷۲ و ارتباط با خدا ۰/۸۲ به دست آمد. پرسشنامه امید به زندگی: پرسشنامه امید به زندگی اسنایدر (۱۹۹۱)، دارای ۱۲ گویه است که ۸ گویه آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و ۴ گویه دیگر دروغ‌سنج هستند که در نمره‌گذاری به حساب نمی‌آیند. از این ۸ گویه، چهار گویه آن مربوط به تفکر عاملی (مؤلفه کارگذار) (۲، ۹، ۱۰، ۱۲) و چهار گویه آن مربوط به تفکر راهبردی (مؤلفه گذرگاه) (۱، ۴، ۶ و ۸). شیوه نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از ۰ تا ۴ است. اما این شیوه نمره‌گذاری در مورد سؤالات شماره ۳، ۵، ۷ و ۱۱ معکوس شده است. برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات تک‌تک سؤالات را باهم محاسبه می‌کنند. امتیازات بالاتر، نشان‌دهنده امید به زندگی بیشتر در فرد پاسخ‌دهنده خواهد بود و برعکس (کیامرثی و ابوالقاسمی، ۱۳۸۵). اسنایدر و همکاران (۲۰۰۰) اعتبار آن را طریق باز آزمایی بعد از ۳ هفته ۰/۸۵ برآورد نمود. لوپز و اسنایدر (۲۰۰۷) همسانی درونی مقیاس را از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۴ تا ۰/۸۴ و ضریب اعتبار آن را با روش باز آزمایی ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند (کوهساریان، ۱۳۸۷). آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه در این پژوهش برای کل پرسشنامه ۰/۸۲ و برای خرده مقیاس تفکر عاملی ۰/۸۰ و برای تفکر راهبردی ۰/۸۴ به دست آمد. پرسشنامه شادکامی آکسفورد: پرسشنامه شادکامی آکسفورد توسط آرگایل، مارتین و کروسلند در سال ۱۹۸۹ برای فراهم کردن یک اندازه کلی از شادکامی ساخته شد. این پرسشنامه در سال ۲۰۰۱ توسط آرگایل تجدیدنظر شد. در این پرسشنامه چندین گروه جمله وجود دارد. آزمودنی هر گروه از جملات را می‌خواند سپس گزینه‌ای را که بهتر از همه، طرز احساس او را در هفته گذشته و روزهای اخیر نشان می‌دهد، انتخاب می‌کند. این پرسشنامه شامل ۲۹ عبارت چهارگزینه‌ای که بین ۰ تا ۳ نمره دهی می‌شود. بالاترین نمره‌ای که آزمودنی می‌تواند در این مقیاس کسب کند ۸۷ است که بیانگر بالاترین حد شادکامی و کمترین نمره‌ای این مقیاس صفر است که مؤید ناراضی بودن آزمودنی از زندگی و افسردگی فرد است. نمره بهنجار این آزمون بین ۴۰ تا ۴۲ است. آرگایل و مکاران در یک مطالعه بر روی ۳۴۷ آزمودنی، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و روایی ۰/۴۳ را برای این مقیاس گزارش کردند. در مطالعه‌ای دیگر بر روی ۱۰۱ آزمودنی، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ شده است. آرگایل ضمن به دست آوردن

پایایی باز آزمایی ۰.۸۳ پس از سه هفته، دریافت که پایایی باز آزمایی این پرسشنامه از پایایی پرسشنامه سلامت عمومی و مقیاس افسردگی نیز بیشتر است. آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه در این پژوهش ۰/۸۸ به دست آمده است.

روش اجرای پژوهش به این صورت بود که با گرفتن مجوز از کانون بازنشستگان فرهنگیان خمینی شهر در سال ۱۳۹۸، به ۱۱۵ نفر از فرهنگیان زن که به کانون مراجعه کردند، پرسشنامه‌های دلبستگی به خدا، امید به زندگی، شادکامی و پایداری برای پاسخگویی به صورت مجازی و حضوری به خاطر محدودیت در اجرا داده شد. سپس بعد از جمع‌آوری و حذف پرسشنامه‌هایی که به صورت کامل تکمیل نشده بودند، این تعداد به ۱۰۰ نفر کاهش یافت. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) با استفاده از نرم‌افزار spss-22 انجام شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های جمعیت شناختی نشان داد که بیشتر شرکت‌کنندگان دارای سن ۶۰ تا ۶۵ سال (۳۹ درصد) و کمترین بالای ۶۵ سال (۱۳ درصد) و بیشتر دارای تحصیلات کارشناسی (۶۸ درصد) بودند. همچنین بیشتر فرهنگیان بازنشسته ۳ تا ۶ سال (۴۳ درصد) از مدت بازنشستگی‌شان می‌گذشت و کمترین مدت زمان بازنشستگی در افراد شرکت‌کننده مربوط به بالای ۹ سال (۸ درصد) بود. نتایج به دست آمده نشان داد که میانگین نمرات متغیر پایداری ۳۱/۴۷، متغیر دلبستگی به خدا ۷۶/۷۷، متغیر امید به زندگی ۲۸/۷۳ و شادکامی ۴۳/۲۴ است. همچنین میانگین خرده مقیاس‌های دلبستگی به خدا، ارتباط با خدا ۲۳/۷۹، توکل ۱۲/۷۴، اعتماد در برابر عدم اعتماد ۱۳/۸۹ و توجه به خدا ۲۳/۹۴ به دست آمده است و میانگین خرده مقیاس‌های امید به زندگی، تفکر عاملی ۱۳/۱۱ و تفکر راهبردی ۱۵/۶۲ است. جهت بررسی نرمال بودن متغیرهای اصلی پژوهش از آزمون کالموگروف اسمیرنوف استفاده گردید که نتایج به دست آمده حاکی از این بود که فرضیه صفر در این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مورد تأیید قرار می‌گیرد و توزیع داده‌ها در متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. در ادامه به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است:

فرضیه اول: دلبستگی به خدا، امید به زندگی و شادکامی توان پیش‌بینی پایداری در فرهنگیان زن بازنشسته خمینی شهر را دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۲) و مقدار معناداری پی-ولیو که در گام اول، دوم و سوم صفر به دست آمده است، دلبستگی به خدا، شادکامی و امید به زندگی توانسته پایداری را پیش‌بینی کند.

جدول ۲- معناداری مدل رگرسیون گام به گام در فرضیه اول

سطح معناداری	متغیر پیش بین	مجموع مربعات	میانگین مربعات	آماره F	(p)	گام
۰/۰۰۰	۱ - دل‌بستگی به خدا	۲۳۱/۳۳	۲۳۱/۳۳	۵۰/۲۶	۰/۰۰۰	رگرسیون باقیمانده کل
		۴۳۲/۵۴	۴/۳۷			
		۶۶۶/۲۴				
۰/۰۰۰	۲ - دل‌بستگی به خدا	۲۹۳/۳۳	۲۹۳/۳۳	۳۷/۹۹	۰/۰۰۰	رگرسیون باقیمانده کل
	-شادکامی	۳۷۴/۲۱	۰/۸۲			
		۶۶۶/۲۴				
۰/۰۰۰	۳ - دل‌بستگی به خدا	۳۲۲/۹۸	۳۲۲/۹۸	۲۹/۹۷	۰/۰۰۰	رگرسیون باقیمانده کل
	- شادکامی	۳۴۴/۶۲	۳/۵۰			
	- امید به زندگی	۶۶۶/۲۴				

متغیر وابسته: پایداری

نتایج به دست آمده از جدول (۳) نشان می‌دهد که دل‌بستگی به خدا، شادکامی و امید به زندگی در گام سوم، ۴۷/۵ درصد توانایی پیش‌بینی پایداری فرهنگیان زن بازنشسته را دارند، همچنین یکی از مفروضاتی که در رگرسیون خطی مدنظر قرار می‌گیرد، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده توسط معادله رگرسیون) از یکدیگر است. در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند امکان استفاده از رگرسیون خطی وجود ندارد، به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر از آزمون دوربین- واتسون استفاده گردید. آماره دوربین واتسون بین ۰ تا ۴ است. اگر بین باقیمانده‌ها همبستگی متوالی وجود نداشته باشد، مقدار این آماره باید به ۲ نزدیک باشد. اگر به صفر نزدیک باشد نشان‌دهنده همبستگی مثبت و اگر به ۴ نزدیک باشد نشان‌دهنده همبستگی منفی است. در مجموع اگر این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد جای هیچ نگرانی نیست که در این فرضیه مقدار این آماره ۱/۹۴ به دست آمد که بسیار مناسب است.

جدول ۳- خلاصه مدل رگرسیون گام به گام فرضیه اول

گام	متغیر پیش بین	ضریب همبستگی	ضریب همبستگی مجذور	آماره‌ها	
				درجه آزادی	درجه آزادی
۱	- دل بستگی به خدا	۰/۵۹۱	۰/۳۵۰	۸۰/۳۶۸	۹۸
۲	- دل بستگی به خدا - شادکامی	۰/۶۶۰	۰/۴۳۴	۲۶/۶۴۵	۹۷
۳	- دل بستگی به خدا - شادکامی - امید به زندگی	۰/۶۹۰	۰/۴۷۵	۸/۶۲۶	۹۶

متغیر وابسته: پایداری

همان طور که در جدول (۴) مشاهده می‌گردد در گام سوم از رگرسیون گام به گام، متغیر دل بستگی به خدا با مقدار $p\text{-value}=۰/۰۰۰$ ، متغیر شادکامی با $p\text{-value}=۰/۰۰۰$ ، و متغیر امید به زندگی با $p\text{-value}=۰/۰۰۵$ ، در سطح اطمینان ۹۵ درصد به طرز معناداری توان پیش بینی متغیر پایداری فرهنگیان زن بازنشسته را دارند.

جدول ۴- ضرایب مدل رگرسیون گام به گام فرضیه اول

گام	متغیر پیش بین	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب بتای استاندارد	آماره T	p-value	آماره همخطی	
		بتا	خطای معیار				ضریب همخطی	تلرانس
۱	- ضریب ثابت	۷۴/۹۹	۵/۶۰	۰/۵۹	۱۳/۳۷	۰/۰۰۰		
-	- دل بستگی به خدا	۰/۵۳	-۰/۰۷۳	۰/۵۹	۷/۲۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
۲	- ضریب ثابت	۷۰/۸۱	۵/۲۷	-۰/۰۵۳	۱۳/۲۲	۰/۰۰۰		
-	- دل بستگی به خدا	۰/۴۸	-۰/۰۶۰	-۰/۰۵۳	۷/۶۰	۰/۰۰۰	۱/۲۴۰	-۰/۹۹
-	- شادکامی	-۰/۰۶۹	-۰/۰۱۵	-۰/۰۲۹	۳/۸۸	۰/۰۰۰	۱/۲۴۰	-۰/۹۹
۳	- ضریب ثابت	۷۶/۱۳	۱/۶۵	-۰/۰۵۷	۱۳/۴۷	۰/۰۰۰		
-	- دل بستگی به خدا	۰/۴۹	-۰/۰۶۱	-۰/۰۵۷	۸/۱۷	۰/۰۰۰	۱/۳۵۹	-۰/۷۳۶
-	- شادکامی	۰/۲۳	-۰/۰۷۶	-۰/۰۱۶	۳/۴۲	۰/۰۰۰	۱/۵۴۲	-۰/۶۴۹
-	- امید به زندگی	۰/۴۲	-۰/۱۵۳	-۰/۰۸۷	۲/۶۹	۰/۰۰۸	۱/۵۸۹	-۰/۶۲۹

متغیر وابسته: پایداری

فرضیه دوم: ابعاد دل‌بستگی به خدا (ارتباط باخدا، توکل، اعتماد در برابر عدم اعتماد و توجه به خدا) توان پیش‌بینی پایداری در فرهنگیان زن بازنشسته خمینی‌شهر را دارد. جهت بررسی این فرضیه از روش رگرسیون گام‌به‌گام استفاده گردید. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جدول (۵) و مقدار معناداری پی‌ولیکه در گام اول، دوم و سوم صفر به‌دست‌آمده است، ابعاد ارتباط باخدا، توکل و توجه به خدا توانسته پایداری را پیش‌بینی کند درحالی‌که خرده مقیاس اعتماد در برابر عدم اعتماد توان پیش‌بینی متغیر پایداری را ندارد، نتیجه می‌شود ارتباط بین ارتباط باخدا، توکل و توجه به خدا، ارتباط معنی‌داری هست و مدل رگرسیون مدلی معنادار است.

جدول ۵- معناداری مدل رگرسیون گام‌به‌گام در فرضیه دوم

گام	متغیر پیش‌بین	مجموع مربعات	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
۱	ارتباط باخدا	۵۶۰/۱۶	۵۶۰/۱۶	۳۳۷/۲۷	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۱۰۶/۰۸	۱/۲۴		
	کل	۶۶۶/۲۴			
۲	ارتباط باخدا	۵۷۱/۴۶	۲۸۵/۷۳	۳۰۹/۲۳	۰/۰۰۰
	- توکل	۹۴/۷۸	۰/۱۲۱		
	کل	۶۶۶/۲۴			
۳	ارتباط باخدا	۶۴۷/۴۴	۲۱۵/۸۱	۲۱۴/۲۴	۰/۰۰۰
	- توکل	۱۸/۸	۰/۰۶۲		
	- توجه به خدا	۶۶۶/۲۴			

متغیر وابسته: پایداری

نتایج به‌دست‌آمده از جدول (۴-۱۰) نشان می‌دهد که ارتباط باخدا، توکل و توجه به خدا در گام سوم، ۳۴/۲ درصد توانایی پیش‌بینی پایداری را دارند. آماره دوربین واتسون بین ۰ تا ۴ است. اگر بین باقیمانده‌ها همبستگی متوالی وجود نداشته باشد، مقدار این آماره باید به ۲ نزدیک باشد. اگر به صفر نزدیک باشد نشان‌دهنده همبستگی مثبت و اگر به ۴ نزدیک باشد نشان‌دهنده همبستگی منفی است. در مجموع اگر این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد جای هیچ نگرانی نیست که در این فرضیه مقدار این آماره ۱/۸۰۳ به دست آمد که بسیار مناسب است.

جدول ۶- خلاصه مدل رگرسیون گام به گام دوم

گام	متغیر پیش‌بین	ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	F تغییرات	آماره‌ها	
					درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲
۱	- ارتباط با خدا	۰/۵۴۳	۰/۲۲۴	۱۰۲/۴۲۲	۱	۹۸
۲	- ارتباط با خدا - توکل	۰/۵۸۲	۰/۲۶۸	۱۰/۳۲۱	۱	۹۷
۳	- ارتباط با خدا - توکل - توجه به خدا	۰/۶۲۵	۰/۳۴۲	۶/۱۱۴	۱	۹۶

متغیر وابسته: پایداری

جدول ۷- ضرایب مدل رگرسیون گام به گام فرضیه دوم

گام	متغیر پیش‌بین	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب بتای استاندارد	آماره T	سطح معناداری	آماره همخطی	
		خطای معیار	بتا				ضریب همخطی	تولانس
۱	- ضریب ثابت	۴۸/۶۳	۰/۷۲۲	۰/۰۹۱	۷۷/۵۲	۰/۰۰۰		
	- ارتباط با خدا	۰/۹۴	۰/۰۵۲	۰/۰۹۱	۱۹/۶۲	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
۲	- ضریب ثابت	۴۶/۲۴	۰/۵۲	۰/۰۱۰	۸۵/۶۳	۰/۰۰۰		
	- ارتباط با خدا	۱/۲۵	۰/۰۵۱	۰/۰۳۵	۲۲/۸۳	۰/۰۰۰	۰/۵۷	۰/۹۴
	- توکل	۰/۵۶	۰/۰۷۲	۰/۰۳۵	۷/۸۵	۰/۰۰۰	۰/۱۳	۰/۹۴
۳	- ضریب ثابت	۳۱/۱۹	۰/۵۱	۰/۰۷۱	۵۷/۵۵	۰/۰۰۰		
	- ارتباط با خدا	۱/۸۷	۰/۰۳۲	۰/۰۱۴	۶۶/۷۳	۰/۰۰۰	۰/۶۱	۰/۵۸
	- توکل	۲/۳۱	۰/۰۵۷	۰/۰۱۴	۳۶/۲۶	۰/۰۰۳	۰/۷۴	۰/۳۸
	- توجه به خدا	۰/۵۶	۰/۰۲۴	۰/۰۹۲	۳۰/۴۲	۰/۰۰۰	۰/۹۹	۰/۲۷

متغیر وابسته: پایداری

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌گردد در گام سوم از رگرسیون گام به گام، خرده مقیاس ارتباط با خدا با $p\text{-value}=۰/۰۰۰$ ، خرده مقیاس توکل با $p\text{-value}=۰/۰۰۳$ ، و خرده مقیاس توجه به خدا با $p\text{-value}=۰/۰۰۰$ ، در سطح اطمینان ۹۵ درصد به طرز معناداری توان پیش‌بینی متغیر پایداری را دارند.

فرضیه سوم: ابعاد امید به زندگی (تفکر راهبردی و تفکر عاملی) توان پیش‌بینی پایداری در فرهنگیان زن بازنشسته خمینی‌شهر را دارد.

جهت بررسی این فرضیه از روش رگرسیون گام‌به‌گام استفاده گردید. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جدول (۸) و مقدار معناداری پی-ولیو که در گام اول و دوم صفر به‌دست‌آمده است، تفکر عاملی و تفکر راهبردی توانسته پایداری را پیش‌بینی کند، نتیجه می‌شود ارتباط بین تفکر عاملی و تفکر راهبردی با پایداری، ارتباط معنی‌داری است و مدل رگرسیون مدلی معنادار است.

جدول ۴-۸- معناداری مدل رگرسیون گام‌به‌گام در فرضیه سوم

گام	متغیر پیش‌بین	مجموع مربعات	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
	رگرسیون	۲۹۸/۳۴	۲۹۸/۳۴	۷۱/۳۲	۰/۰۰۰
۱	- تفکر راهبردی	۳۶۷/۹۰	۳/۷۶		
	باقیمانده	۶۶۶/۲۴			
	رگرسیون	۶۳۹/۰۶	۳۱۹/۵۳	۸۳۶/۱۱	۰/۰۰۰
۲	- تفکر راهبردی	۲۷/۱۸	۰/۳۸۱		
	- تفکر عاملی	۶۶۶/۲۴			
	کل				

متغیر وابسته: پایداری

نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۹ نشان می‌دهد که تفکر عاملی و تفکر راهبردی در گام دوم، ۳۷/۹ درصد توانایی پیش‌بینی پایداری را دارند

جدول ۹- خلاصه مدل رگرسیون گام‌به‌گام فرضیه سوم

گام	متغیر پیش‌بین	ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	آماره‌ها		
				تغییرات F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲
۱	- تفکر راهبردی	۰/۶۴۱	۰/۳۲۴	۷۴/۱۱۸	۱	۹۸
۲	- تفکر راهبردی - تفکر عاملی	۰/۶۸۳	۰/۳۷۹	۵/۶۳۷	۱	۹۷

متغیر وابسته: پایداری

همان‌طور که در جدول (۴-۱۴) مشاهده می‌گردد در گام دوم از رگرسیون گام‌به‌گام خرده مقیاس تفکر راهبردی با $p\text{-value}=۰/۰۰۰$ ، و خرده مقیاس تفکر عاملی با $p\text{-value}=۰/۰۰۲$ ، در سطح اطمینان ۹۵ درصد به طرز معناداری توان پیش‌بینی متغیر پایداری را دارند

جدول ۱۰- ضرایب مدل رگرسیون گام به گام فرضیه سوم

گام متغیر پیش‌بین	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب بتای استاندارد	آماره T	آماره همخطی	
	خطای معیار	بتا			ضریب	تولانس همخطی
۱- ضریب ثابت	۲۱/۰۰	۱/۱۲	۰/۰۶۱	۲۰/۰۸	-/۰۰۰	-/۰۰۰
- تفکر راهبردی	۰/۷۵	۰/۱۹۶	۰/۰۳۰	۸/۷۴	-/۰۰۰	۱/۰۰۰
۲- ضریب ثابت	۲۹/۶۰	۱/۱۸	۰/۰۳۰	۴۱/۴۲	-/۰۰۰	-/۰۰۰
- تفکر راهبردی	۴/۶۳	۰/۱۱	۰/۰۳۰	۳۵/۲۸	-/۰۰۰	۱/۸۷۲
- تفکر عاملی	۸/۹۴	۰/۲۷	۰/۰۲۴	۲۹/۴۴	-/۰۰۲	۱/۸۷۲

متغیر وابسته: پایداری

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش، پیش‌بینی پایداری بر اساس دل‌بستگی به خدا، امید به زندگی و شادکامی در فرهنگیان زن بازنشسته خمینی‌شهر بود. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که دل‌بستگی به خدا، شادکامی و امید به زندگی در گام سوم، ۴۸/۴ درصد توانایی پیش‌بینی پایداری فرهنگیان زن بازنشسته را داشتند. بر اساس جست‌و‌های محقق پژوهشی در این زمینه که مبنایی بر تأیید همسویی و عدم همسویی با پژوهش حاضر باشد، مشاهده نشد و یافته به‌دست‌آمده به‌طور غیرمستقیم با نتایج پژوهش‌های فولادی و شهیدی (۱۳۹۶)، کلاتر هرمزی، عسلی طالکوئی و مرادی لیاولی (۱۳۹۴)، حسین چاری و محمدی (۱۳۹۰)، کنت و همکاران^۱ (۲۰۱۸)، خان و خان^۲ (۲۰۱۷)، سالز و همکاران^۳ (۲۰۱۴)، که نشان دادند که این متغیرها پایداری و متغیرهای مشابه آن مانند تاب‌آوری و سرسختی روانی با متغیرهای روان‌شناختی رابطه دارند، همسو و هماهنگ است. در تبیین توان پیش‌بینی پایداری بر اساس دل‌بستگی به خدا می‌توان به مدل شناختی مذهب استناد کرد که باورها و نگرش‌های مذهبی و معنوی بر مؤلفه‌های شناختی افراد از جمله تفسیر وقایع، خوش‌بینی یا بدبینی و نوع تفکرات آن‌ها تأثیر گذاشته و این مؤلفه‌ها نیز از طریق سیستم ایمنی-روانی بر سلامت و بهداشت جسم و روان انسان‌ها تأثیر می‌گذارند (عسگری، روشنی و مهری آدریانی، ۱۳۸۹) و باعث پایداری یا عدم پایداری افراد در مقابله با وقایع و مسائل می‌شوند. یانگ و ماو^۴ (۲۰۰۷)، معتقدند، داشتن هدف و معنا در زندگی، احساس تعلق داشتن به معنای والا، امیدواری به یاری خداوند در موقعیت‌های مشکل‌زای زندگی و بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی همگی از جمله روش‌هایی هستند که افراد معنوی با دارا بودن آن‌ها می‌توانند در رویارویی با حوادث تنش‌زای زندگی آسیب کمتری را متحمل شوند. همچنین به اعتقاد

1 Kent & et al

2 Khan & Khan

3 Salles & et al

4 Yang & Mao

فونتولاکیس، سیامولی، مگیریا و کاپرینیس (۲۰۰۸)، باور به اینکه خدایی هست که بر موقعیت‌ها مسلط و ناظر بر بندگان است تا حد بسیار زیادی، اضطراب مرتبط با موقعیت‌ها را کاهش می‌دهد؛ به عبارت دیگر این افراد معتقدند که از طریق اتکای به خداوند می‌توان موقعیت‌های غیرقابل کنترل را در اختیار خود درآورد.

رابطه بین انسان و خدا را می‌توان به عنوان رابطه دلبستگی تجسم نمود. در این الگوی می‌توان گفت که خداوند خیلی از عملکردهای موضوع دلبستگی از قبیل پناهگاه امن بودن در مواقع تهدید که با اتکا به او بسیاری از افراد دل‌بسته جرأت مواجهه با چالش‌های مختلف زندگی را پیدا می‌کنند را دارا است، افزون بر این افراد احتمال دارد رفتارهایی را در رابطه با خدا نشان دهند که ویژگی‌های رابطه دلبستگی است، این رفتارها مانند دعا و نیایش باعث احساس امنیت و قدرت و درنهایت پایداری در فرد می‌شود. ضمناً در تبیین نقش دلبستگی به خدا در پیش‌بینی پایداری نیز می‌توان گفت که افراد پایدار، به احتمال بیشتری در رویارویی با شرایط ناگوار، در جستجوی معنا هستند. داشتن دلبستگی به خداوندی که سرچشمه همه امور به دست اوست و خداوندی که بسیار چاره‌جوست، تحمل افراد را در برابر سختی‌ها افزایش داده و آن‌ها را برای غلبه بر چالش‌ها و تغییرات در زندگی یاری می‌دهد. کسانی که دلبستگی دارند، قلب‌هایشان آرام و مطمئن خواهد بود چون تنها با ذکر خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. افراد دارای دلبستگی به خدا می‌دانند که دنیا مکانی است برای آزمایش بنابراین در برابر سختی‌ها و مصیبت‌ها پایدار هستند.

در تبیین توان پیش‌بینی پایداری بر اساس شادکامی می‌توان بیان کرد که باورهای معنوی و دلبستگی به یک وجود متعالی در ارتقای سلامت روان و افزایش شادکامی نقش بسزایی دارد. معنویت یک سامانه باور منسجم ایجاد می‌کند که سبب می‌شود افراد برای زندگی معنا پیدا کنند و کمتر دچار آشفتگی‌های روانی گردند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با بهبود دلبستگی به یک موجود باری‌تعالی (خدا) سبب بهبود احساس شادی و شادکامی می‌شود که خود باعث کاهش افسردگی و اضطراب و داشتن یک زندگی بانشاط می‌شود. پایداری و ثبات قدم با افزایش حالات عاطفی مثبت و کاهش عواطف منفی، تقویت عزت‌نفس و مقابله موفق باتجربه‌های منفی موجب ارتقاء شادکامی شود، اما این امکان وجود دارد افراد که در برابر وقایع منفی پایداری زیادی از خود نشان می‌دهند، توانایی‌های خود را شناخته و پایداری بیشتری را در پی داشته باشد که در نتیجه منجر به شادکامی بیشتر خواهد شد. شادکامی نگرش مثبت افراد را به شرایط ناگوار و وقایع خطرناک نشان می‌دهد، بنابراین، شادکامی را می‌توان به عنوان خصیصه مهم در پایداری به شمار آورد. شادکامی باعث عوامل محافظتی می‌شود که هم از لحاظ جنبه روانی و هم از لحاظ جنبه اجتماعی منجر به پایداری افراد نسبت به وقایع شده و در نتیجه حالت کنترل بر محیط افزایش یافته و به بهبود عملکرد مثبت در آینده می‌انجامد. افراد شاد، در واقع فعال، پرنرژی و پرتلاش هستند. آنان دست به برنامه‌ریزی می‌زنند، فعالانه عمل می‌کنند و تلاش می‌کنند به بهترین شک ممکن موقعیت‌های استرس‌زا را تغییر دهند و این امر موجب می‌شود که افراد شاد کمتر در معرض مشکلات روان‌شناختی قرار گیرند و فشار ناشی از حوادث استرس‌زا را راحت‌تر تحمل کنند و

این امر باعث پایداری افراد می‌گردد. به اعتقاد آلیس هدف از زندگی کسب لذت است و منظور از زندگی داشتن لحظه‌های شاد و خوش است. وی معتقد است این خود مشکلات نیستند که انسان‌ها را ناراحت می‌کنند، بلکه نگرش مردم به مشکلات است که آن‌ها را بیمار می‌کند (صفری، ۱۳۹۳). بر همین اساس، می‌توان به انسان‌ها آموخت که گرفتار غم و ناامیدی نشوند. باورها، عقاید و فرضیه‌های اشتباه خود را بشناسند و آن‌ها را تغییر دهند؛ زیرا انسان‌ها می‌توانند با تربیت کردن و نظم بخشیدن افکارشان، زندگی مملو از شادی داشته باشند و همین تفکر مثبت و شادمانه زندگی کردن باعث پایداری و احساس سرسختی بیشتر در فرد می‌شود.

در تبیین توان پیش‌بینی پایداری بر اساس امید به زندگی می‌توان بیان کرد که دلبستگی، ایمان و اعتقاد راسخ به خدا موجب نگرش معنادار و هدف‌دار فرد به کل زندگی و عدم دلبستگی و یا اعتقاد اجتنابی و اضطرابی به خدا موجب عدم انسجام و آرامش فرد می‌شود که این امر موجب ضعف و منشأ اختلاف‌های بسیاری در زندگی فردی و خانوادگی می‌شود. همچنین اعتقاد به هدفمند بودن آفرینش مخلوقات خداوند از جمله این دنیا و انسانی که در آن زندگی می‌کند و این موضوع که انسان بنا به دلیل یا دلایلی برای زندگی در این دنیا آفریده شده است موجب معنادار شدن زندگی برای انسان می‌گردد، این اعتقاد جزء با دلبستگی به خدا امکان‌پذیر نیست. مقاومت در برابر موقعیت‌های چالش‌برانگیز زندگی اعم از تحمل شرایط سخت‌کاری، ناتوانی‌های جسمی، فقر اقتصادی، شرایط روانی دوران بازنشستگی، ناکامی در رسیدن به خواسته‌ها و آرزوهای خود و تلاش در جهت رفع محرومیت‌ها و داشتن امید فراهم کردن زندگی بهتر برای خود و اطرافیان خویش، باعث می‌شود تا افراد علاوه بر زندگی در این دنیا، معنای آن را درک کنند که این خود باعث تقویت امید به زندگی و اراده افراد برای رفع محرومیت‌ها و محدودیت‌هایشان در زندگی و درنهایت پایداری می‌شود. همچنین اگر فردی علاوه بر دلبستگی به خدا، در برابر چالش‌های زندگی پایداری از خود نشان دهد، با توجه به تأثیر فوق‌العاده هر یک از این دو عامل در فهم بهتر معنای زندگی، معنایی به‌مراتب شایسته‌تر از زندگی خود نسبت به دیگران که به چنین سطحی نرسیده‌اند را درک خواهد کرد که همین معنای زندگی تأثیر متقابلی بر پایداری افراد دارد.

همچنین حفظ امید به زندگی و افزایش آن از مسائل مهم در همه سنین و برای همه اقشار است. منظور از امید به زندگی تعداد سال‌هایی است که هر فرد انتظار دارد زندگی کند. امید علائم و آثار متعددی به‌جای می‌گذارد. امید به افراد انعطاف‌پذیری، شور و نشاط و توانایی برای خلاص شدن از ضرباتی که زندگی بر آنان تحمیل می‌کند را می‌دهد و پایداری را افزایش می‌دهد. از نظر جسمی فرد امیدوار پرنرژی بوده و زندگی را توأم با خوشی، رفاه و سلامت سپری می‌کند و فردی است مدعی، زنده و با آمادگی عالی برای مقابله با خطرات. از نظر احساسی خوش‌بین، شاداب، آرام، هماهنگ، باوقار، عاری از اضطراب و احساس گناه و عصبانیت است. از نظر هوشی او فردی است هوشیار، واقع‌بین و همچنین دارای تفکر، آزادی انتخاب و کنترل زندگی است. در بعد اجتماعی متمایل به برقراری ارتباط و فعالیت با دیگران است و در بعد روانی دارای فلسفه معنی‌دار و

هدفمند در زندگی است که همین ویژگی‌ها باعث استقامت و ثبات قدم و درنهایت پایداری در فرد می‌شود. از سوی دیگر، امیدواری باعث می‌شود تا افراد موقعیت‌های ناگوار را بیشتر مشکل‌آفرین ارزیابی کنند تا تهدیدکننده. همچنین حس تعهد بیشتری نسبت به کار خود داشته باشند، حس کنترل بیشتری در زندگی تجربه کنند و عوامل تنش‌زا را به‌عنوان فرصت‌های بالقوه برای تغییر ببینند. از این‌رو امید به زندگی توان پیش‌بینی پایداری را دارد.

نتایج فرضیه دوم نشان داد که ابعاد ارتباط باخدا، توکل و توجه به خدا ۵۸/۷ درصد توانسته‌اند پایداری را پیش‌بینی کنند، درحالی‌که خرده‌مقیاس اعتماد در برابر عدم اعتماد توان پیش‌بینی متغیر پایداری را نداشت. در تأیید همسویی و ناهم‌سویی یافته فرضیه حاضر، پژوهشی مشاهده نشد. در تبیین فرضیه حاضر می‌توان بیان کرد که بیشتر ویژگی‌های نظام دل‌بستگی در ارتباط فرد باخدا نیز دیده می‌شود و از آن با عنوان دل‌بستگی به خدا نام‌برده می‌شود. در تبیین این نتایج می‌توان گفت افرادی که سبک دل‌بستگی نایمن به خداوند دارند، کسانی هستند که احتمالاً درباره خواست خداوند برای پاسخگویی در مواقع تهدیدآمیز، مضطرب، دوسوگرا یا آشفته هستند و اینکه خداوند پاسخگو و در دسترس نیست. چنین افرادی در پذیرش خداوند به‌عنوان پایه و اساس ایمنی و تکیه‌گاه مطمئن در سختی‌ها دچار شک و تردید هستند. کسانی که در پذیرش خداوند به‌عنوان پایگاه امن دچار تردید و اضطراب هستند، ممکن است حضور خداوند را در جای‌جای زندگی خود احساس نکنند و همواره از حضور نداشتن خداوند در مسائل و مشکلات سخت و مهم زندگی خود در اضطراب باشند. چنین افرادی همیشه از نوعی اضطراب که نشانه دوری از خداوند است، رنج می‌برند و نمی‌توانند در موقعیت‌های پیش‌آمده از خدا مدد و کمک بگیرند و باخدا ارتباط قلبی برقرار کنند که همین باعث یک احساس خلأ و عدم تکیه‌گاه و کاهش پایداری و استقامت فرد در برابر با مسائل و مشکلات به وجود آمده می‌شود.

همچنین فرد دارای دل‌بستگی بیشتر به خدا، به یک مبدأ متعالی معتقد است و او را پرستش می‌کند. فرد دل‌بسته با اتکا به قدرت الهی و اعتماد به اینکه خدا را قادر، حاضر و پاسخگوی همیشگی نیاز خود می‌داند، احتمال وقوع حوادث مثبت و خوشایند را برای خود بیشتر دانسته و حوادث منفی را با توکل به نیروی ایمان خود به‌راحتی پشت سر می‌گذارد. از سویی دیگر شرایط سخت زندگی موجب می‌شود تا فرد به خدا توکل کند. به‌عبارت‌دیگر، فشار روانی موجب می‌شود تا فرد بیشتر از توکل به خدا، به‌عنوان یک مکانیسم مقابله معنوی استفاده کند. افراد با اعتقادات معنوی ضعیف، از این مکانیسم کمتر استفاده می‌کنند. بنابراین، معنویت به‌عنوان یکی از متغیرهای واسطه‌ای اثرات منفی عوامل استرس‌زا را تعدیل می‌کند (پارگامنت، ۱، ۱۹۹۰). از سوی دیگر، ارتباط باخدا و اعتقاد به محبوب بودن نزد خداوند، موجب افزایش اعتمادبه‌نفس شده، و بر ذهن و روان فرد دل‌بسته تأثیرات مثبتی خواهد گذاشت. افزون بر این، فرد دل‌بسته احساس می‌کند عضو گروهی از انسان‌هاست که پشتوانه او در مشکلات هستند و احساس داشتن پشتوانه اجتماعی، از حس تنهایی او کاسته و

موجب تأثیرات مثبت بر ذهن و روان او می‌شود (نظرنژاد و شرف تادوانی، ۱۳۸۹). بنابراین در مجموع می‌توان گفت افراد دل‌بسته به خدا، به راحتی با او ارتباط برقرار و با او صحبت و درد و دل می‌کنند و مسائل و مشکلات خود را با او در میان می‌گذارند و امید و توکل به او پیدا می‌کنند و با توجه به خدا که می‌تواند بهترین تصمیم‌ها را برایش رقم بزند، نقطه اتکایی در مقابله با سختی‌ها و مشکلات در فرد به وجود می‌آید و احساس پایداری و مقاومت فرد به خاطر داشتن احساس پناه و تکیه‌گاه افزایش می‌یابد. همچنین در خصوص عدم توان پیش‌بینی خرده مقیاس اعتماد در برابر عدم اعتماد می‌توان بیان کرد که سوالات مربوط به این خرده مقیاس قابل ملموس و عینی برای افراد نبوده است و این مسأله ممکن است تحت تأثیر اعتقادات و مسائل دیگری که نقش مهم‌تری دارند، قرار گرفته باشد.

نتایج فرضیه سوم نشان داد که ابعاد امید به زندگی (تفکر عاملی و تفکر راهبردی) ۶۴/۹ درصد توانایی پیش‌بینی پایداری رادارند. در تأیید همسویی و ناهم‌سویی یافته فرضیه حاضر، پژوهشی مشاهده نشد. همان‌طور که در فصل دوم بیان شد که تفکر راهبردی، توانایی ادراک‌شده فرد برای شناسایی و ایجاد مسیرهایی به سمت هدف است و تفکر عاملی، بُعدی انگیزشی برای به حرکت درآوردن فرد در مسیرهای در نظر گرفته‌شده برای رسیدن به هدف است. اسنایدر (۲۰۰۰)، تفکر عامل را نه تنها انرژی روانی متمرکز بر هدف، بلکه احساس مصمم بودن در دستیابی به هدف تعریف کرده‌اند. از نظر آن‌ها، این نوع انگیزه متمرکز بر هدف، در جمله‌هایی همچون من می‌توانم این کار را انجام دهم و من به آن خواهم رسید و... نمایان می‌شود. این مفهوم بسیار شبیه به انگیزه است؛ به اضافه باور به این مسأله که با تلاش و توانایی می‌توان به هدف رسید. همچنین طبق نظریه امید در روان‌شناسی، در طول درمان، تفکر عامل (انگیزه)، به دو شیوه متفاوت افزایش می‌یابد: یا به‌طور مستقیم هدف قرار می‌گیرد و یا به‌طور غیرمستقیم، با افزایش تفکر گذرگاه تقویت می‌شود. بنابراین می‌توان در تبیین فرضیه حاضر بیان کرد که تفکر راهبردی به خاطر شناسایی مسیرها و روش‌هایی جدید برای رسیدن به اهداف و تحمل سختی‌ها و پذیرش آن‌ها برای رسیدن به هدف‌ها اولویت و اهمیت بیشتری در پیش‌بینی پایداری افراد دارد. فرهنگیان زن وقتی به دوران بازنشستگی می‌رسند دچار بحران نقش و تغییر در اهداف زندگی می‌شوند به خاطر همین سعی در انتخاب هدف‌های جدید و راه‌های سریع رسیدن به آن هستند چون احساس می‌کنند زمان کمی در اختیار دارند و باید از لحظه‌لحظه آن استفاده بهینه ببرند، به خاطر همین اول دغدغه آن‌ها تحمل شرایط جدید انتخاب هدف‌های جدید است و سپس انگیزش و پشتکار برای رسیدن به آن‌ها که همین انتخاب هدف به زندگی آن‌ها معنا و مفهوم جدیدی می‌دهد که خود دلیلی برای پایداری بیشتر افراد در برابر مسائل و مشکلات موجود است. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد: جامعه پژوهش حاضر فرهنگیان بازنشسته زن شهرستان خمینی‌شهر بوده است، لذا در تعمیم آن به مناطق دیگر باید احتیاط کرد. عدم دسترسی به تمام افراد بازنشسته به خاطر شرایط فعلی جامعه (بیماری کرونا) باعث عدم امکان انتخاب تصادفی نمونه موردنظر در پژوهش شد که یکی دیگر از محدودیت‌های دیگر پژوهش است. نبودن تحقیقات کافی در این زمینه که کار مقایسه و نتایج و تعبیر و تفسیر را با مشکل مواجه می‌کرد. لذا

با توجه به محدودیت‌ها، پیشنهاد می‌شود که پژوهش دیگری بر روی فرهنگیان بازنشسته مرد و دیگر شهرها و همچنین بازنشستگان سازمان‌های دیگر اجرا و نتایج آن با پژوهش حاضر مقایسه گردد و ضمناً با توجه به اینکه پایداری جز اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر سلامت روانی افراد است، پیشنهاد می‌شود این متغیر در بررسی‌های آتی با مؤلفه‌های دیگر نیز مورد بررسی قرار گیرد.

Reference

- Ajdari Fard, P., Ghazi, GH & Nouranipour, R (2010). Investigating the effect of mysticism and spirituality education on students' mental health. *new ideas in educational sciences*. 5 (2). 17-31.
- Asgari, P., Roshani, Kh. & Adriani, M. (2010). The Relationship between Religious Beliefs and Optimism and the Spiritual Health of Ahwaz Azad University Students. *New Findings in Psychology*. 4 (10). 27-39.
- Barati, F., Ashrafi, Z., Najafi, F., Karimi, A. & Sharifzadeh, GH (2015). Evaluation of happiness status and related factors in students of University of Medical Sciences. *Journal of Torbat Heydariyeh University of Medical Sciences*. 3 (2). 27-35.
- Bitarafan, L., Kazemi, M. & Yousefi Afrashteh, M. (2017). The relationship between attachment styles to God and resilience with death anxiety in the elderly. *Elderly Journal*. 12 (4). 449-465.
- Duckworth, A. L., & Allred, K. M. (2012). *Temperament in the classroom*. In R. L. Shiner and M. Zentner (Eds.), *Handbook of Temperament* New York, NY Guilford Press. p 627-644.
- Duckworth, A., & Winkler, L. E. (2015). "Grit", *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 397-401.
- Duckworth, A.L & Seligman, M.E.P. (2017). The science and practice of self-control. *Perspectives on Psychological Science*. 12. 715-718
- Elizabeth, A. (2011). United States life table. *National Vital Statistics Report* .64(11). 1-63.
- Feldman, D, B., & Kubota, M. (2015). Hope, self-efficacy, optimism, and academic achievement: Distinguishing constructs and levels of specificity in predicting college. *Learning and Individual Differences*. 37. 801–806.
- Fouladi, N. & Shahidi, A. (2017). The role of personality traits and life expectancy in predicting psychological toughness among students with respect to gender. *clinical psychology and personality*. 15 (1). 93-101.
- Fountoulakis, K,N,. Siamouli, M., Magiria S., & Kaprinis, G. (2008). Late-Life depression, religiosity, cerebral vascular disease. *Cognitive*

impairment and attitudes towards death in the elderly: Interpreting the data. *Medical hypotheses*. 70. 493-496.

Ghaffari, M.H(2017)). Relationship between attachment to God and resilience with meaning in teachers' lives, First National Conference on Social Sciences. *Educational Sciences and Social Security*. 2 (7). 42-53.

Ghasemi, A., Abedi, A. & Baghban, I. (2009). The impact of group education based on Snyder's hop theory on the rate of happiness in elderly's life. *Knowledge & Research in Applied Psychology*. 41. 17-40.

Ghobary Bonab, B., & YousefiNamini, A. (2010). The Relationship between Attachment to God and Reliance on God. *Procida. Paris*. 5. 1098-1104

Gholami, A & Bashildeh, K. (2011). The effectiveness of spiritual therapy on the mental health of divorced women. *Family Counseling and Psychotherapy Quarterly*. 1 (3). 331-348.

Hamid, N. (2009). Investigating the Relationship between Religious Attitude and Mental Health and Immune System Function. *Psychological Studies*. 5 (2). 1-13.

Hossein Chari, M. & Mohammadi, M. (2011). Predicting psychological resilience based on religious beliefs in urban and rural students. *Contemporary Psychology*. 6 (2). 45-56.

Jouybari, L., Rezaiean, M., Sanagoo, A., Jafari, Y., & Hosseini, A. (2011). Explaining the Happiness Experience of the Students in Golestan University of Medical Sciences. *Journal of Gorgan Bouyeh Faculty of Nursing & Midwifery*. 1(19). 1-10.

Kalantar Hormozi, A., Asali Talekui, S & Moradi Liaoli, G.H (2015). Predicting Psychological Resilience Based on Religious Adherence in Married Women. *Quarterly Journal of Clinical Psychology Studies*. 19 (5). 119-139.

Kent, B. V., Bradshaw, M., & Uecker, J. E. (2018). Forgiveness, attachment to God, and mental health outcomes in older US adults: A longitudinal study. *Research on aging*. 40(5). 456-479.

Khan, BM., & Khan, AM. (2017). Grit, happiness and life satisfaction among professionals: a correlational study. *J Psychol Cognition*. 2(2).123-132

Khoram rouz, J., Moltafet, GH., & Firouzi, M.R. (2017). The relationship between attachment to God and psychological well-being and the mediating role of feelings of shame and guilt. *Armaghan Danesh*. 22 (1). 112-125.

Krikpatrick, L. A. (1999). *Handbook of attachment: Teory research and clinical application*. New York: Guilford Press.

Kwon, H. W. (2021). Are Gritty People Happier than Others?: Evidence from the United States and South Korea. *Journal of Happiness Studies*, 1-23.

Kuhpayehzadeh, F., Motamedi, A., Dourtaj, F., Eskandari, H. & Farokhi, N. (2019). The effectiveness of semantic therapy-based educational package on the feeling of loneliness and self-efficacy of retired teachers. *geriatrics*. 4 (1).24-33.

McCracken, L. M., Badinlou, F., Buhrman, M., & Brocki, K. C. (2021). The role of psychological flexibility in the context of COVID-19: Associations with depression, anxiety, and insomnia. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 19, 28-35.

Mishara, B. & Riddle, A(2003). *Adult Psychology*. Translated by Hamzeh Ganji, Alma Davodian and Farangis Habibi. Tehran: Information Publications.

Mohammadi, A & Azerbaijan, M. (2009). An Investigation of the Relationship between Islamic Happiness and Psychological Happiness among the Students of Qom University.*Journal of sychology and religion*. 3(7). 283-287.

Musaei, M. (2004). Social and Psychological Impacts of Retirement of Faculty Members: A Case Study at the University of Tehran. *Quarterly Journal of Teacher of Humanities*. 36. 157-180.

Nazarnejad, N. & Sharaf Tadvani, L (2010) Justification of religious beliefs based on their psychological function in the Holy Quran, *Philosophy of Religion*. 7 (8). 45-64.

Pargament, K, I. (1990). God help me: Toward a theoretical frame work of coping for the Psychology of religion research in the social scientific study of religious. *Newyork, Wiley*. 2. 195-224.

Safari, N (2014). *The relationship between resilience and quality of life with happiness of women heads of households under the auspices of Shiraz Relief Committee*. Master Thesis in Educational Psychology, Islamic Azad University of Marvdasht.

Salles, A., Cohen, G. L., & Mueller, C. M. (2014). The relationship between grit and resident well-being. *The American Journal of Surgery*. 207(2). 251-254.

Seon Ahn, H., Bong, M., & Kim, S. (2017). Social models in the cognitive appraisal of self-efficacy information. *Contemporary Educational Psychology*. 48. 149 – 166

Tough, P. (2012). *How children succeed: Grit, curiosity, and the hidden power of character*. New York: Houghton Mifflin Harcourt.

Yang, K.P., & Mao, X.Y. (2007). A study of nurses'spiritual intelligence: A cross-sectional questionnairesurvey. *Journal of Nursing Studies*. 144. 999-1010.

Zeinih, H., & Nilsaz, N. (2012).Happiness and Joyfulness from the Viewpoint of Holly Koran & Islamic Traditions. *Culture in Islamic University*. 1 (1).50-68.

The Prediction of Grit Based on God Attachment, Life hope, and Happiness in retired women teachers in Khomeinishahr city

Elham Rezaei¹

Fatemeh Javadzadeh^{2}*

Abstract

The aim of this study was to predict Grit based on attachment to God, life expectancy and happiness in retired female educators of Khomeini Shahr city. The research method was correlational type of prediction and the statistical population included all 167 female educators in Khomeini Shahr in 2020, omit using Morgans sample size table, 113 people were selected as the sample of this study. Finally, the sample size was reduced to 100 people, including statistical loss. Data collection tools included the Duckworth (2007) grit questionnaire Beck and McDonald's (2004) attachment Questionnaire, the Snyder's (1991) Life Hope Questionnaire, and the Argyle, Martin, Croesland's and Oxford(1989) Happiness Questionnaire. Data analysis was performed at two levels of descriptive statistics (mean and standard deviation) and inferential statistics (Pearson correlation coefficient and multiple regression) using spss-22 software. The results showed that attachment to God ($\beta = 0.49$), happiness ($\beta = 0.23$) and life expectancy ($\beta = 0.42$) respectively, were 47/5% able to predict the Grit of retired female educators. The results also showed that Sub-component of attachment to God, relationship with God, trust and attention to God, 34/2% were able to predict Grit, and Sub-component of life expectancy, factor thinking, and strategic thinking accounted for 37/9% percent of the ability to predict Grit at the significance level of $p \leq 0.01$.

Key words: life expectancy, Grit, attachment to God, happiness, retired women teachers.

1 Master student in family counseling, Islamic Azad University of Khomeini Shahr, Khomeini, Iran
2.* Assistant Professor, Counseling Department, Khomeini Shahr Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding Author):: javadzadeh@iaukhsh.ac.ir)